



اصول فقه ۴ (حلقه ثالثه)

درس ۱۷

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای یاسر سعادت‌ی

بحث در مورد استدلال به روایات بر حجیت استصحاب بود که به صحیحۀ سوم زراره (صحیحۀ شک در رکعات) رسیدیم. بعد از تبیین معنای این روایت و طریقه استدلال به آن، به بیان اشکالات وارده بر دلالت این صحیحۀ بر قاعده استصحاب پرداختیم. در آنجا بیان شد که سه اعتراض عمده بر دلالت این صحیحۀ وارد شده است که دو اعتراض آن در درس‌های قبل مورد بررسی قرار گرفت و در این درس به بررسی اشکال و اعتراض سوم می‌پردازیم. این اشکال مبتنی بر صرف نظر کردن از اشکال دوم می‌باشد که بعد از بیان این اشکال، پاسخ محقق خوئی را به آن و نیز اشکالات شهید صدر به این پاسخ و جواب خود شهید صدر بر این اشکال را بیان نموده و پرونده این حدیث را در این درس به پایان می‌برند. در درس آینده نیز به بررسی آخرین روایت که در این کتاب به آن بر حجیت استصحاب استدلال شده است، خواهیم پرداخت.

[الرواية الثالثة... و تقریبه...و قد اعترض على الاستدلال المذكور باعتراضات...]

الثالث: أن حمل الرواية على الاستصحاب متعذر، لأن الاستصحاب لا يكفي لتصحيح الصلاة حتى لو نبي على إضافة الركعة الموصولة و تجاوزنا الاعتراض السابق، لأن الواجب إيقاع التشهد و التسليم في آخر الركعة الرابعة، و باستصحاب عدم الإتيان بالرابعة يثبت وجوب الإتيان بركعة، و لكن لو أتى بها فلا طريق لإثبات كونها رابعة بذلك الاستصحاب، لأن كونها كذلك لازم عقلي للمستصحب فلا يثبت، فلا يتاح للمصلي إذا تشهد و سلم حينئذ أنه قد أوقع ذلك في آخر الركعة الرابعة. و قد أجاب السيد الأستاذ على ذلك بلن المصلي بعد أن يستصحب عدم الإتيان و يأتي بركعة يتيقن بأنه قد تلبس بالركعة الرابعة و يشك في خروجه منها إلى الخامسة فيستصحب بقاءه في الرابعة. و نلاحظ على هذا الجواب: أن الاستصحاب المذكور معارض باستصحاب عدم كونه في الرابعة، لأنه يعلم إجمالاً بأنه أما الآن أو قبل إيجاده للركعة المبنية على الاستصحاب ليس في الرابعة، فيستصحب عدم و يتساقط الاستصحابان. كما يلاحظ على أصل الاعتراض بلن إثبات اللازم العقلي بالاستصحاب ليس امراً محالاً بل محتاجاً إلى الدليل، فإذا توقف تطبيق الاستصحاب في مورد الرواية على افتراض ذلك كانت بنفسها دليلاً على الإثبات المذكور.

اعتراض سوم بر دلالت صحیحه شک در رکعات بر استصحاب

این اعتراض در صدد آن است که بگوید، براین قول و مبنای اهل سنت نیز استصحاب نمی‌تواند بر مورد روایت تطبیق پیدا کند و نمی‌توان مفاد روایت را حمل بر استصحاب نمود؛ زیرا آن چه واجب است این است که تشهد و سلام در آخر رکعت چهارم واقع شود و مکلف باید احراز کند که این رکعت اضافه ای را که می‌خواند، رکعت چهارم است تا بتواند تشهد و سلام را در آن، اتیان نماید. استصحاب عدم اتیان رکعت چهارم هر چند وجوب اتیان یک رکعت دیگر را اثبات می‌کند، اما نمی‌تواند اثبات کند که این رکعت زائده، رکعت چهارم می‌باشد، مگر از باب اصل مثبت که آن هم فاقد اعتبار می‌باشد.

توضیح: در مبحث آینده خواهیم خواند که لوازم عقلی و عادی مستصحب، با استصحاب ثابت نمی‌شود و فقط آثار شرعی مستصحب ثبوت می‌گردد که این اثبات لوازم عقلی و عادی مستصحب را اصل مثبت می‌نامند. در محل بحث نیز اثر شرعی استصحاب عدم اتیان رکعت چهارم، وجوب اتیان یک رکعت زائده می‌باشد که لازمه عقلی آن این است که تاکنون سه رکعت خوانده شده و رکعت زائده، رکعت چهارم می‌باشد. اما از آن جایی که استصحاب عدم اتیان رکعت چهارم این لازمه عقلی را ثابت نمی‌کند، لذا حمل مورد روایت بر استصحاب متعذر است.

متن عربی و نکات تطبیقی:

الثالث(۱): أن حمل الرواية(۲) علی الاستصحاب متعذر، لأن(۳) الاستصحاب لا يكفي لتصحیح الصلاة حتى لو بنى علی إضافة الركعة الموصولة(۴) و تجاوزنا(۵) الاعتراض السابق، لأن الواجب إيقاع التشهد(۶) و التسليم فى آخر(۷) الركعة الرابعة، و باستصحاب عدم الإتيان بالرابعة يثبت وجوب الإتيان برکعة، و لكن لو أتى بها(۸) فلا طريق لإثبات كونها(۹) رابعة بذلك الاستصحاب(۱۰)

۱. یعنی: اعتراض سوم بر دلالت صحیحه شک در رکعات بر استصحاب.

۲. یعنی: صحیحه شک در رکعات.

۳. متعلق جار و مجرور: متعذر و تعلیل برای آن.

۴. یعنی: اگر چه روایت، حمل بر مبنای اهل سنت است.

۵. عطف تفسیری به «لو بنى».

۶. خبر «أن».

۷. متعلق جار و مجرور: إيقاع.

۸ و ۹. مرجع ضمیر: رکعة.

۱۰. یعنی: با استصحاب عدم اتیان رکعت چهارم، رکعت چهارم بودن این رکعت اضافه اثبات نمی‌گردد.

لأن كونها(۱) كذلك(۲) لازم عقلی للمستصحب فلا يثبت، فلا يتاح(۳) للمصلى إذا تشهد و سلم حينئذ(۴) اثبات(۵) أنه(۶) قد أوقع ذلك(۷) فى آخر الركعة الرابعة.

۱. مرجع ضمیر: رکعت زائده‌ای که اتیان نموده است.

۲. مشارٌ الیه: رکعت چهارم بودن.

۳. یعنی: میسر نیست.

۴. یعنی: در این هنگام که رکعت زائده را اتیان نموده است.

۵. نائب فاعل «فلا یتاح».

۶. مرجع ضمیر: مصلی.

۷. مشارٌ الیه: تشهد و سلام.

Sco^۱: ۰۸:۰۸

پاسخ محقق خوئی به اعتراض سوم بر دلالت صحیح شک در رکعات بر استصحاب

محقق خوئی (ره) در پاسخ به این اعتراض فرموده اند: نمازگزار یقین دارد که متلبس به رکعت چهارم می باشد؛ زیرا نمازگزاری که شک بین سه و چهار دارد، در واقع یا در همان زمان شک و قبل از اتیان رکعت زائده، رکعت چهارم را اتیان نموده است و یا در رکعت سوم بوده است که با اتیان این رکعت زائده، چهار رکعت تمام می شود و فقط شک در این دارد که یک رکعت اضافه خوانده است یا نه. به عبارت دیگر، شک دارد که این رکعت اضافه، رکعت پنجم بوده است یا رکعت چهارم که با استصحاب بقای بر رکعت چهارم و عدم ورود به رکعت پنجم، ثابت می شود که از رکعت چهارم خارج نگردیده است و با این استصحاب می تواند ثابت کند که تشهد و سلام را در جای مناسب خود خوانده است. به عبارت دیگر، محقق خوئی (ره) می فرماید که صحیح است با استصحاب عدم اتیان رکعت چهارم نمی توان رکعت چهارم بودن این رکعت زائده را اثبات نمود؛ لکن استصحاب دیگری در میان است که عبارت است از استصحاب عدم خروج از رکعت چهارم و عدم اتیان رکعت پنجم که بدون این که اصل مثبت لازم بیاید، رکعت چهارم بودن این رکعت را اثبات می کند؛ لذا می توان احراز نمود که تشهد و سلام در جای خودش اتیان گردیده است.

متن عربی و نکات تطبیقی

وقد أجاب السيد الأستاذ علی ذلك (۱) بلبن (۲) المصلی بعد أن يستصحب عدم الإتیان (۳) و یأتی برکعة (۴) یتیقن بأنه (۵) قد تلبس بالركعة الرابعة و يشک فی خروجه منها (۶) إلی الخامسة فیستصحب بقاءه (۷) فی الرابعة.

۱. مشارٌ الیه: اعتراض سوم.

۲. متعلق جار و مجرور: أجاب.

۳. مفعول «یستصحب».

۴. تذکر: بر حسب فرضی که در اشکال و اعتراض آمد این رکعت متصل است.

۵. مرجع ضمیر: مصلی.

۶. مرجع ضمیر: رکعت چهارم.

۷. مرجع ضمیر: مصلی.

Sco^۲: ۱۱:۴۸

اعتراض شهید صدر بر پاسخ محقق خوئی از اعتراض سوم

شهید صدر می‌فرماید: کلام محقق خوئی تمام نیست، زیرا استصحاب عدم خروج از رکعت رابعه با استصحاب عدم بودن در رکعت چهارم، تعارض می‌کند و در نتیجه ساقط می‌گردد؛ چون مکلف قبل از اتیان رکعت زائده، علم به نبودنش در رکعت چهارم دارد؛ زیرا اگر سه رکعت به جا آورده باشد، قبل از اتیان رکعت زائده، متلبس به رکعت رابعه نیست که در صورت انجام رکعت زائده، با استصحاب عدم اتیان رکعت رابعه، عدم تلبس مکلف به رکعت چهارم ثابت می‌گردد و یا در واقع چهار رکعت خوانده است که با اتیان رکعت زائده، دیگر متلبس به رکعت چهارم نخواهد بود. به تعبیر دیگر، مکلف علم اجمالی دارد که یا قبل از اتیان رکعت زائده غیر متلبس به رکعت چهارم است و یا بعد از اتیان رکعت زائده غیر متلبس به رکعت چهارم است و با استصحاب «عدم کون فی الرابعة» ثبوت می‌شود که الآن که مکلف می‌خواهد تشهد و سلام را به جا بیاورد، مکلف متلبس به رکعت چهارم نیست. این استصحاب با استصحاب بقای در رکعت چهارم تعارض می‌کند و در نتیجه هر دو ساقط می‌شوند.

متن عربی و نکات تطبیقی

و نلاحظ علی هذا الجواب (۱): إن الاستصحاب المذكور (۲) معارض باستصحاب عدم كونه (۳) فی الرابعة، لأنه (۴) يعلم إجمالاً بأنه (۵) اما الآن أو قبل إيجاده (۶) للركعة المبنية علی الاستصحاب لیس فی الرابعة (۷)، فیستصحب العدم (۸) و يتساقط الاستصحابان (۹).

۱. یعنی: جواب محقق خوئی به اعتراض سوم بر دلالت صحیحۀ شک در رکعات بر استصحاب.
۲. یعنی: استصحاب بقای رکعت چهارم.
۳. مرجع ضمیر: المصلی.
۴. لأن: توضیح حالت سابقه یقینیه؛ مرجع ضمیر: مصلی.
- ۵ و ۶. مرجع ضمیر: المصلی.
۷. به تعبیر دیگر، یقین به عدم بودنش در رکعت چهارم داشته است.
۸. یعنی: عدم کونه فی الرابعة.
۹. یعنی: استصحاب بقای در رکعت چهارم و استصحاب عدم کون در رکعت چهارم.

Sco^۳: ۱۷:۱۹

پاسخ شهید صدر به اعتراض سوم بر صحیحۀ شک در رکعات

مبنای محقق عراقی این است که اگر بخواهیم با استصحاب عدم اتیان رکعت چهارم، رکعت چهارم بودن رکعت زائده را اثبات کنیم، اصل مثبت می‌شود و اصل مثبت فاقد حجیت می‌باشد. شهید صدر در مقام اعتراض به محقق عراقی می‌فرماید: اصل مثبت و اثبات لوازم عقلی مستصحب با استصحاب عقلا، محال نیست و محذور ثبوتی ندارد و فقط دارای محذور اثباتی است؛ یعنی برای حجیت نیاز به دلیل دارد. حال اگر دلیلی پیدا شود که بگوید بر مستصحب به موازات آثار شرعی، آثار عقلی هم مترتب هست، ما می‌پذیریم که استصحاب بتواند

مثبت لوازم عقلی مستصحب باشد . با توجه به این نکته می‌گوییم: اگر تصحیح نمازی که امام (ع) راجع به آن بحث می‌کند، حتی بنا بر مذهب اهل سنت با استصحاب ممکن نیست - مگر این که قائل به اصل مثبت شویم - پس این روایت خود دلیل بر اثبات لوازم عقلی مستصحب به وسیله این استصحاب و حجیت اصل مثبت در این مورد می‌باشد.

متن عربی و نکات تطبیقی

كما يلاحظ على أصل الاعتراض بَلْن (۱) إثبات اللازم العقلي بالاستصحاب ليس امراً محالاً بل محتاجاً إلى الدليل، فإذا توقف تطبيق الاستصحاب في مورد الرواية على افتراض ذلك (۲) كانت (۳) بنفسها (۴) دليلاً على الإثبات المذكور (۵).

۱. متعلق جار و مجرور: يلاحظ.

۲. مشاراً إليه: اثبات.

۳ و ۴. مرجع ضمير: الرواية.

۵. یعنی: اثبات لوازم عقلی مستصحب به وسیله استصحاب.

Sco^۴: ۲۲:۳۱

چکیده

۱. اعتراض سوم بر صحیحۀ شک در رکعات: حمل این روایت بر استصحاب دارای محذور است؛ زیرا حتی بنا بر قول اهل سنت که مجالی برای استصحاب وجود دارد، از جهتی دیگر این روایت دارای اشکال است؛ زیرا احراز تلبس به رکعت چهارم برای اتیان تشهد و سلام، لازم است که این احراز ممکن نیست؛ مگر از باب اصل مثبت که اصل مثبت هم حجیت ندارد..

۲. پاسخ محقق خوئی به اعتراض سوم: هر چند که احراز تلبس به رکعت چهارم به وسیله استصحاب عدم اتیان رکعت چهارم ممکن نیست، زیرا اصل مثبت می باشد، اما استصحابی دیگر وجود دارد که بدون قائل شدن به اصل مثبت می توان تلبس به رکعت چهارم را احراز نمود و آن هم استصحاب بقای رکعت چهارم و عدم اتیان رکعت پنجم می باشد..

۳. اعتراض شهید صدر به پاسخ محقق خوئی: با استصحاب بقای رکعت چهارم و عدم اتیان رکعت پنجم نمی توان تلبس به رکعت چهارم را احراز نمود؛ زیرا استصحاب بقای رکعت چهارم با استصحاب عدم تلبس به رکعت چهارم تعارض کرده و تساقط می کنند.

۴. پاسخ شهید صدر به اعتراض سوم: اصل مثبت و اثبات لوازم عقلی مستصحب به وسیله استصحاب، محذور ثبوتی ندارد و فقط دارای اشکال اثباتی است؛ لذا اگر هیچ راهی برای تصحیح این نماز به غیر از اصل مثبت وجود نداشته باشد، خود این روایت دلیلی بر حجیت اصل مثبت می باشد.